

# فصلنامه خط اول

رهیافت انقلاب اسلامی  
سال سوم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۸۸  
صفحه ۱۱۱ تا؟؟

## انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه جیمز بیل در کتاب عقاب و شیر

دکتر یوسف توایی، استادیار دانشگاه علوم انتظامی

### چکیده:

انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی(س) نقطه آغازین تحولی شگرف در تئوریهای انقلاب و رویکردهای جنبشهای اجتماعی در نیمه دوم قرن بیستم میلادی بود از ویژگی های ممتاز، برجسته و نوین انقلاب اسلامی مبتنی بودن آن بر آموزه های توحیدی و دینی و برخورداری از جنبه های معنوی و اخلاقی بود که زمینه ساز تجدید نظر طلبی در حوزه مطالعات جامعه شناسی دین و جامعه شناسی انقلاب توسط نظریه پردازان و تئوریسین های علوم اجتماعی و علوم سیاسی گردید طی ۳۰ سال گذشته در خصوص انقلاب اسلامی متفکران و اندیشمندان اروپایی، امریکایی، آسیایی و آفریقایی و همچنین متفکران ایرانی مسلمان و غیرمسلمان به تجزیه و تحلیل های مختلفی در مورد انقلاب ایران پرداخته اند که نقطه مشترک آن تاکید بر صبغه دینی و اخلاقی و معنوی انقلاب اسلامی است. یکی از این متفکران و پژوهشگران پروفیسور جیمز بیل می باشد که دیدگاه های خود را پیرامون انقلاب اسلامی عمدتاً در کتاب معروف عقاب و شیر تبیین کرده است. عقاب و شیر مجموعه ای نفیس از تاریخ روابط دیرینه ایران و ایالات متحده امریکا از سال ۱۹۴۰ تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۹۸۷ می باشد که در این نوشتار به نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

کلید واژه: انقلاب اسلامی، ایران، آمریکا، روابط ایران و آمریکا.

## ۱- مقدمه و اهمیت موضوع

پروفسور جیمز بیل، ایران شناس شهیر آمریکایی مطالعات جامعه شناختی نسبتاً شایان توجهی در رابطه با روابط ایران و آمریکا داشته است حضور مستمر وی در ایران به عنوان پژوهشگر و محقق و ارتباط تنگاتنگ و نزدیک وی با نخبگان سیاسی ایران و همچنین روابط نزدیک او با سفارت آمریکا و وزارت امور خارجه آن کشور در کنار آشنایی و تسلط وی به زبان و ادبیات فارسی از امتیازات او به شمار می رود. جیمز بیل در سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) در ارتباط با پروژه و طرح تاسیس دانشگاه پهلوی شیراز که توسط یک دانشگاه آمریکایی قرار بود ساخته شود در ایران به تحقیق و پژوهش پرداخته بود. (۱)

وی در سال ۱۹۶۱ - ۱۳۴۰ طی پژوهشی به بررسی پدیده اجتماع و سیاست در ایران پرداخته و در سال ۱۹۶۳ - ۱۳۴۲ رساله فوق لیسانس خود را تحت عنوان «ساختمان اجتماعی و قدرت سیاسی در ایران» در دانشگاه دولتی پنسیلوانیا به رشته تحریر در آورده و سپس به مدت دو سال به آموزش ادبیات و زبان فارسی و تاریخ و سیاست ایران پرداخته است.

جیمز بیل ماه عسل خود را با مسافرت زمینی از اروپای غربی به ایران گذرانیده و رساله دکترای خود را در سال ۱۹۶۸ - ۱۳۴۷ با عنوان «روشنفکران ایرانی، طبقه و دگرگونی» در ایران تدوین نموده است. وی علاوه بر این موارد در سال ۱۹۷۰ - ۱۳۴۹ پژوهشی عمیق پیرامون سفارت آمریکا در ایران تدوین نموده است و در همان سال و در سال ۱۹۷۴ - ۱۳۵۳ و در نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۳۵۷ مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی به ایران مسافرت نموده است. (۲)

حضور طولانی و مستمر جیمز بیل در ایران که از سالهای ۱۳۳۹ - ۱۹۶۰ آغاز و تا سال ۱۹۷۸ ادامه داشته است، نشان از اهمیت موضوع ایران و روابط آن کشور برای آمریکا و نقش جیمز بیل به عنوان یک ایران شناس مورد وثوق وزارت امور خارجه و سفارت آمریکا می باشد.

نوشتاری که ملاحظه می شود کندوکاوی پیرامون انقلاب اسلامی از منظر جیمز بیل براساس کتاب عقاب و شیر است به آن امید که بخش هایی از واقعیات ارزشمند انقلاب اسلامی ایران را آشکارتر ساخته و اهمیت و ژرفای آن را برای علاقمندان به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران ترسیم نموده باشد.

## ۲- سوال اصلی، نقطه تمرکز کتاب رهیافت و متدولوژی

۲-۱- مؤلف کتاب شیر و عقاب سؤال و مساله اصلی را «بررسی و کالبدشکافی عوامل مؤثر در برهم خوردن روابط ایران و آمریکا عنوان نموده و در همین رابطه مینویسد: «ویلیام

داگلاس رئیس سابق دیوان عالی کشور آمریکا زمانی چنین گفته است: «ایرانیان خویشاوندانی معنوی آمریکاییها هستند، این کتاب (شیر و عقاب) بر آن است تا نیروهایی که بر ضد این خویشاوندی به مبارزه برخاسته اند و به آن صدمه زده اند را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. (۳) بیل برای تجزیه و تحلیل علمی روابط ایران و آمریکا با تلاشی شایان توجه و به طور مستند سعی نموده با به تصویر کشیدن عوامل و متغیرهای موثر در چگونگی روابط دو کشور با شیوه دایره ای و رفت و برگشت در مقاطع و فواصل زمانی مختلف ادوار روابط دو کشور، ویژگیها و خصوصیات مشترکی از رفتار آمریکاییها در ایران (وزارت امور خارجه شورای امنیت ملی، سیا، وزارت دفاع، سفارت آمریکا در تهران و...) ارائه دهد. او کار پژوهشی خود را در دو سطح خرد و کلان (تحلیل رفتارهای نخبگان، بازیگران سیاسی و اقتصادی آمریکا در ایران و نوع رفتار و ماهیت عملکرد ساختارها و سازمانهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و نظامی آمریکا در ایران) به تصویر کشیده است. جمیزیل با ملحوظ نظر قراردادن دو گروه عوامل ۱- عوامل خارجی ۲- عوامل داخلی تلاش نموده و چگونگی و چرایی سیاست و دیپلماسی خارجی آمریکا در مورد ایران را کالبد شکافی کند. وی همچنین به نقش و کار ویژه های خاندان پهلوی به ویژه شخص محمدرضا پهلوی و نخبگان امریکوفیل ایرانی در ادوار مختلف تاریخی و تاثیر آن بر روابط دو کشور پرداخته است. در تجزیه و تحلیل و کالبدشکافی روابط دو کشور عوامل اصلی و بازیگران مهم آمریکایی در صحنه ایران عبارتند از: ۱- وزارت امور خارجه آمریکا ۲- شورای امنیت ملی آمریکا ۳- وزارت دفاع ۴- سازمان سیا ۵- سازمان مبارزه با مواد مخدر ۶- سپاهیان صلح و بنیاد خاورمیانه ۷- مستشاران ژاندارمری و ارتش ۸- شرکتهای چند ملیتی بزرگ آمریکایی ۹- شخصیتها و نخبگان سیاسی و اقتصادی آمریکایی که روابط حسنه ای با دربار و شخص شاه و خاندان پهلوی داشتند و از بعد داخلی در ایران عوامل و بازیگران داخلی عبارتند از: خاندان پهلوی دربار به ویژه شخص شاه - اشرف پهلوی - فرح دیبا - اردشیر زاهدی و... ۲- نخبگان و روشنفکران متمایل به سیاستهای جهانی آمریکا و نقطه تمرکز پژوهشی جمیزیل در کتاب شیر و عقاب در محدوده زمانی سالهای ۱۹۴۰ - ۱۳۱۹ تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۸۷-۱۳۶۶) قرار داد.

## ۲-۲- رهیافت و متدولوژی کار تحقیقاتی جمیزیل در کتاب شیر و عقاب

امعان نظر و مطالعه دقیق کتاب بیانگر استفاده ایشان از رهیافت تحلیل رفتاری (بدون اینکه به این رهیافت اشارتی داشته باشد) است. به این معنی او تلاش نموده است تا به چرایی و چگونگی رفتار و عملکرد شخصیتها و نخبگان سیاسی و سازمانها و مؤسسات آمریکایی در رابطه با ایران بپردازد و با استفاده از روش و متدولوژی اسنادی و مقایسه ای به تجزیه و

تحلیل چگونگی روابط دو کشور پرداخته است و اگر بخواهیم عنوانی از عناوین رویکرد سیاسی، رویکرد اقتصادی، رویکرد فرهنگی و را به تحقیق ایشان اطلاق کنیم، با عنایت به محتوای کتاب رویکرد ایشان در این پژوهش رویکردی سیاسی به شمار می رود. به این معنا که مشارالیه در بیان و تبیین چرایی انقلاب اسلامی ایران اشارت به رویکرد سیاسی دارد. برای مثال وی در بخشی از کتاب بیان می کند: «در ارائه بودجه به مجلس، در فوریه ۱۹۷۷ (بهمن ۱۳۵۵) هویدا افراط را به حدی رساند که به عنوان هدف اساسی و بزرگ برنامه خود از " برطرف کردن تنگناها و کمبودهای زیربنایی نام برد" گرچه مشکلات اقتصادی وجود داشت ولی تنگنا بیشتر ماهیت سیاسی و اجتماعی داشت هر اندازه که عدم مشارکت اصیل سیاسی در سراسر کشور فزونی گرفت، در میان توده های ایرانی که غالب آنها جذب انقلابیون اسلامی شده بودند، ناراضیاتی بیشتری بوجود می آمد» (۴) با عنایت به مورد مذکور و سایر مواردی که در تحلیل محتوای کتاب به آنها اشارت خواهد رفت رهیافت ایشان، رهیافتی سیاسی است.

### ۳- شناسنامه کتاب

۳-۱- عنوان کتاب: شیرو عقاب، نگارش جیمز بیل، ترجمه فروزنده برلیان (دولت‌شاهی)، تهران، نشر فاخته ۱۳۷۱،

#### ۳-۲- بخشها و سرفصلهای کتاب:

کتاب مزبور دارای یک دیباچه توسط مترجم و یک مقدمه از نویسنده بوده و دارای دو بخش عمده می باشد، بخش یکم دارای ۸ فصل به شرح ذیل است:

فصل اول: ایران و آمریکا، نخستین درگیریها

فصل دوم: سیاستهای نفتی و دخالت آمریکا کودتای ۱۹۵۳ (۲۸ مرداد ۱۳۳۲)

فصل سوم: سیاست واکنش و حذف مخالفان رژیم پهلوی ۱۹۶۱-۱۹۵۴

فصل چهارم: دوره کوتاه اصلاح جان اف کندی و ایران ۱۹۶۳-۱۹۶۱

فصل پنجم: ضد اصلاحات: لیندون جانسون و سخت گیری رژیم پهلوی ۱۹۷۰-۱۹۶۳ (دوره اصلاحات و سرکوب)

فصل ششم: ایران و آمریکا و پیروزی در سرکوبی ۱۹۷۷-۱۹۷۱

فصل هفتم: آمریکا و انقلاب ایران ۱۹۷۹-۱۹۷۷

فصل هشتم: جمهوری اسلامی ایران و آمریکا - قطع رابطه و قمار خطرناک پیوند دوباره بخش دوم شامل سه فصل به شرح ذیل است:

فصل نهم: پهلوی گرایی: سیاستهای غیررسمی در روند سیاست پردازی خارجی

فصل دهم: ایالات متحده آمریکا در ایران: دیپلماتها، ماموران اطلاعاتی و ساختار سیاسی فصل یازدهم: سیاستهایی که موجب شکست خارجی گردیده، سیستمی که اشتباهات را تحکیم کرد.

۳-۳- کتاب شناسی

۳-۴- فهرست نامها

#### ۴- متغیرها و عوامل موثر در تکوین و پیدایی انقلاب اسلامی

همانگونه که قبلاً اشارت شد، مساله اصلي کتاب جیمزبیل بررسی و تبیین چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی نیست، او ابتدا و اولاً به بررسی و تبیین چرایی تیرگی روابط دو کشور می پردازد و سپس در بخشهایی از کتاب از طریق بیان فرایند حوادث و رویدادهایی که روابط دو کشور را از یک دوران شگفت انگیز و رویایی صمیمانه و حسنه و نزول و سقوط در دوران آکنده از تیرگی و سوء تفاهم کشانیده سعی در تبیین چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ داشته و پدیده انقلاب اسلامی را یکی از عوامل مهم تیرگی روابط دو کشور قلمداد می کند.

بنابراین به منظور تجزیه و تحلیل دقیق و علمی پژوهش جیمزبیل این قلم سعی دارد ابتدا به بررسی عوامل و متغیرهای دخیل در تیرگی روابط دو کشور پرداخته و سپس عوامل و متغیرهایی که در حدوث و تکوین انقلاب اسلامی ایران ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نقش داشته اند به تصویر کشد.

#### الف: عوامل و متغیرهای دخیل در تیرگی روابط دو کشور

##### ۱- دخالت مستقیم و آشکار آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

حادثه مزبور مهمترین حادثه ای بود که توانست لطمه شدیدی در جهت تیرگی روابط دو کشور ایفا کند. پدیده مزبور باعث پیدایش بدبینی و کینه شدیدی در میان ایرانیان نسبت به دیپلماسی و سیاست خارجی آمریکا در ایران شده و به مثابه هسته اولیه و تخم بدبینی در اذهان ایرانیان نسبت آمریکا به شمار می رود. جیمزبیل در همین رابطه می نویسد: «در تاریخ روابط میان ایران و آمریکا دخالت آمریکا در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) مهمترین حادثه است این عملیات سری و درگیری مستقیم چنان زخمی بر جای گذاشت که عوارض ناشی از آن پس از سپری شدن ۲۵ سال هنوز ادامه داشت و پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹-۱۳۵۷ نیز به روابط آمریکا با حکومت اسلامی ایران سرایت کرده و آن را آلوده ساخته است. از دیدگاه ایران روشی که آمریکا برای دخالت در امور ایران به کار گرفت به اندازه تصمیمی که برای دخالت در ایران گرفته شد قابل سرزنش است ایرانیان سالهای سال همکاری سیا را در هماهنگ کردن

فعالیت‌های انگلیس و سلطنت طلبها و توزیع پول برای اجیر کردن تظاهرکنندگان محکوم، و از آن به زشتی یاد کرده اند، که بازتاب آن را می توان در شعارها، سخنرانیها و سرودهای انقلابی (۱۹۷۹-۱۳۵۷) و پس از آن مشاهده نمود. (۵)

## ۲- شیوه تعامل و رفتار مستکبرانه و خودبزرگ بینانه و آمرانه امریکاییها در ایران:

یکی از متغیرهای موثر در تیرگی دو کشور رفتار آمرانه و تحقیرآمیز امریکاییها در ایران بوده است. در این رابطه جیمز بیل می نویسد: «یک انگلیسی که تجربه زیادی در امر ایران داشت در مقاله ای حساس و موثر در ۱۹۵۸ (۱۳۳۷) چنین نوشته است، بدبختی غالب خارجیان ایران در این است که از موضع برتر و گاه در نقش ارباب به این کشور سفر می کنند بازرگانان با فرآورده های پر زرق و برق خود، کارشناسان فنی با اطلاعات برتر خود، و حتی مبلغان مذهبی (بی آنکه به زبان آورند) با محکوم ساختن اعتقادات کشوری که عازم آن هستند. همه این افراد از آنجا که در مواجهه با کسانی که طرف معامله با آنها هستند احساس توسری خوردگی و تحقیر شدگی بوجود می آورند در نتیجه همیشه در معرض خطر واکنش شدید از سوی آنها قرار دارند.» (۶) بیل در ادامه بیان می کند: «در ایرانیان این احساس تحقیر از لحاظ سیاسی آرام ماند ولی رهبران جوان تر شیعه نسبت به روش حکومتی شاه و مشی سیاسی و حضور روزافزون امریکا در ایران شروع به انتقاد و ابراز انزجار نمودند. این مخالفان مجتهدانی بودند چون آیت الله خمینی در قم، آیت الله هادی میلانی در مشهد که شهرت و دانش وسیعی داشتند.» (۷)

## ۳- تجویز و توصیه مدل غربی سیاست به حکومت پهلوی

مدرنیزاسیون عصر حکومت محمدرضا پهلوی مبتنی بر تجویز و تحمیل مدل غربی توسط انگلیسی ها و امریکاییها بود که به حکومت شاه و امریکا هویتی همگون و واحد عطا کرده و در منظر و چشم انداز مردم مسلمان فاصله و شکاف عمیقی میان مردم و سردمداران حکومت پهلوی و آن نظام سیاسی مشهود بود. جیمز بیل در این زمینه مینویسد: «ژرفای مخالفت‌های رهبران جوان شیعه به سبب استواری اساس آن نسبت به مخالفت روشنفکران طبقه متوسط بر ستمکاری و فساد تکیه داشت. پیشی گرفت و بنیان آن به عدم اعتماد به مدل غربی سیاست و روش زندگی غربی گذاشته شد. توده های ایرانی که توسط مذهبیون رهبری شدند انتخاب هر گونه روش حکومت غربی را مورد انتقاد قرار می دادند.

در ضمن حضور تدریجی و در نهایت گسترده امریکا در سراسر ایران باعث قرار گرفتن

فرهنگ غربی در برابر دید ایرانیان گردید. در بعضی موارد جلوه های آن از دیدگاه محافظه کارانه مساجد روستاهای ایران زنده و گاه وقیحانه می نمود.» (۸) پژوهشگر و ایران شناس امریکایی به نام (young-T. Cuyler) در همین رابطه می نویسد: «در پایان دهه ۶۰ آمریکا بیش از یک میلیارد دلار کمک اقتصادی و نظامی به ایران داده بود. چه خوشایند باشد و چه نباشد عادلانه باشد یا نه. این کمک موجب گردید که رژیم شاه و آمریکا در دید مردم هویتی واحد پیدا کنند. بنابراین هر دو مسئول کارهایی که به دست رژیم انجام میگرفت و کارهایی که حکومت در انجامش کوتاهی می کرد شناخته می شوند.» (۹)

#### ۴- حضور گسترده آمریکاییها بدون شناخت و اطلاعات دقیق از وضعیت واقعی ایران

پدیده حضور گسترده و روز افزون اتباع آمریکا در ایران و عدم آشنایی آنان با فرهنگ و زبان فارسی باعث به خطا رفتن آنها در رفتارشان با ایرانیان و پیدایش سوءظن و بدبینی در میان ایرانیان می گردید. جیمزبیل در همین رابطه می نویسد: «در داخل ایران حضور امریکاییها داستان پریشانی داشت البته کاملاً قابل فهم است که حضور ۳۰ هزار سرباز آمریکایی در ایران مشکلات فراوانی در برداشت اینکه اکثریت امریکاییها از پیش از ماموریت خود تعلیم ندیده و اغلب آنها هرگز پای از کشور خود بیرون نگذاشته بودند خود مساله ساز بود حوادث و پیچیدگی های فراوانی داشت. گر چه اغلب در ارتباط با بدمستی و نزاع و درگیریهای ناشی از آن بود ولی مشکل دائمی تصادفات رانندگی بود که در آنها غالباً شهروندان ایرانی زخمی و کشته می شدند.» (۱۰)

#### ۵- خط مشی و دیپلماسی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ج اف کنندی و تحمیل کاپیتولاسیون به ایران

متغیر مزبور از جمله عوامل موثر تیرگی روابط دو کشور که نهایتاً نتایج منفی برای آمریکا در برداشته است میباشد. بیل در همین رابطه می نویسد: «خط مشی آمریکا در دوران کنندی ۴ نتیجه سیاسی به بار آورد که بر روابط سالهای آینده ایران و آمریکا تأثیری عمیق بر جای گذاشت:

۱- نخست آنکه کنندی به شاه یاری داد تا درها را به سوی اصلاحات اجتماعی و اقتصادی بگشاید.

۲- مقصود از گشایش این درهای سنگین آن بود که ساختار سیاسی ایران حفظ شود نه آنکه آن را به صورت دیگری درآورد.

۳- انجام اصلاحات محدود بدون تغییرات سیاسی لازم موجب بیداری آرزوها و انتظارات مردم شد انتظاراتی که یک روز باید برآورده شود.

۴- در زمان کندی روند سیاسی اعمال فشار برای اصلاحات بود و همین امر موجب شد تا در این دوران امریکا بیشتر از هر وقت در ایران درگیر شود.» (۱۱)

یکی دیگر از بازتابهای اصلاحات مورد نظر کندی بازگذاشتن دست شاه برای سرکوب مردم و حرکت انقلابی روحانیت تشیع به رهبری حضرت امام خمینی در سالهای ۱۳۴۳-۱۳۴۱ بود که پدیده مزبور نیز از آمریکا چهره ای منفی در میان مردم مسلمان ایران بر جای گذاشت. بیل در همین رابطه می نویسد: «در اوایل سالهای ۱۹۶۳ آیت اله خمینی بر ضد ستمکاری شاه و دولت او سخنرانیها کرد و در سوم ژوئن ۱۹۹۳ (۱۳ خرداد ۱۳۴۲) در سالگرد شهادت امام حسین (ع) در کربلا، امام خمینی در مدرسه فیضیه در سخنرانی خود شاه و مبنای حکومت او را مورد حمله قرار داد. دو روز پس از آن وی توسط پلیس دستگیر شد (۱۵ خرداد ۱۳۴۲) و به تهران منتقل و تحت نظر گرفته شد روز بعد مردم در سراسر کشور دست به شورش زدند به گفته محقق سرشناس در امور ایران (حامد الگار) و کسی که زندگی نامه امام خمینی را نوشته است: شورش است: شورش است: شورش است که با تقویم شمسی ایرانی در ۱۵ خرداد برپا شد نقطه عطفی در تاریخ نوین ایران است در این روز بود که پایه های رهبری و سخنگویی امام خمینی برای الهام بخشیدن به توده های مردم در مبارزه بر ضد شاه و اربابان بیگانه او با ایجاد همبستگی از راه تفکر اسلامی ریخته شد و به جای احزاب غیر مذهبی که پس از مصدق اعتبارشان از دست رفته بود توده مردم تحت رهبری مذهبی اقدام به جنبشهای سیاسی کردند به هر صورت نهم ۱۵ خرداد پیش در آمد انقلاب اسلامی ۹-۱۹۷۸ بوده است» (۱۲) در مورد تاثیر منفی کاپیتولاسیون گزارش آن تی کوریانگ در ص ۲۲۱ کتاب شیر و عقاب قابل توجه است که یانگ گفته است کاپیتولاسیون اشتباه مصیبت باری بود که منافع امریکا را در ایران دچار مشکل خواهد نمود. (۱۳) شایان توجه است که متغیرهای مزبور که نقش اساسی در تیرگی روابط دو کشور داشته اند از زمینه های اساسی پیدایش و تکوین انقلاب اسلامی به شمار می روند به ویژه حادثه عظیم ۱۵ خرداد که بیش در آمدی بر انقلاب اسلامی بوده است.

### ب: عوامل و متغیرهای دخیل در انقلاب اسلامی ایران

عوامل و متغیرهای دخیل در پیدایش و تکوین انقلاب اسلامی از دیدگاه جیمز بیل به دو گروه و دو طبقه ۱- عوامل و متغیرهای خارجی ۲- عوامل و متغیرهای داخلی قابل تقسیم بندی است که ذیلاً به مهمترین آنها اشارت می رود:



## ۱- عوامل و متغیرهای خارجی:

این گروه از متغیرها در واقع متغیرهایی هستند که مانع از توفیق امریکا در جلوگیری از پیروزی انقلاب گردید:

### ۱-۱- اختلاف و عدم هماهنگی میان دستگاهها و سازمانهای امریکایی در مورد ایران

در این رابطه جیمزبیل می نویسد: «در بین کسانی که خط مشی سیاست امریکا در ایران را تعیین می کردند به گونه نامطلوبی دو دستگی و اختلاف وجود داشت یکی از گزارشگران خبره واشنگتن چنین نوشته است: «هنگام برکناری شاه در میان مشاوران اصلی ریاست جمهوری (کارتر) نوعی رقابت و ستیزه گری شدید مثل رقابت بچه های دبیرستانی برای به دست گرفتن و اداره سیاست خارجی در گرفته بود. ستیزه و تنش بیشتر جنبه ناکامی داشت تا رقابتهای دبیرستانی، اساسی ترین اشتباه و درگیری عمیق میان وزارت امور خارجه که سایروس ونس آن را اداره می کرد و شورای امنیت ملی بود که ریاست آن را برژینسکی عهده دار بود. از سازمانهای دیگری که برای جهت گیری در مورد ایران اهمیت زیادی داشت با ذکر نام رؤسای آنها در پرانتز به ترتیب باید از وزارت دفاع (هارولد براون) وزارت انرژی (جیمز شلزینگر) سازمان مرکزی اطلاعات (استیفلد ترنر) وزارت خزانه داری (مایکل بلومنتال) نام برده شود. همچنین کسان دیگری نیز در این مساله مهم دخیل بودند که به طور خلاصه می توان از جرج بال، مشاور ویژه و به گونه غیررسمی از گروه را کفلر (دیوید و ویلسون) جان مک کلوی و هنری کسینجر نام برد. تصمیم گیرنده اصلی که تمام مسئولیتها را بر دوش داشت شخص رئیس جمهور کارتر بود.» (۱۴) وی در جای دیگری به وضوح اختلاف و کشمکش درونی امریکاییها را موجب بازنده شدن آن کشور در مقابل انقلاب اسلامی ایران قلمداد می کند. «تفرقه درونی، اشتغال ذهنی به سایر درگیریهای بین المللی (کمپ دیوید، پیمان سالت) کاهش ظرفیت و قدرت به خاطر مراعات ضوابط اخلاقی و حرفه ای برای به دست زدن به یک مبارزه بوروکراتیک دلائلی بود که موجب شد وزارت امور خارجه به کناری نشسته تنها به نظاره روند سیاسی پردازد که توسط برژینسکی و همکاران خودخواه او شکل گرفت و به گونه امریکا را در انقلاب در طرف بازنده قرار داد.» (۱۵)

بیل در ادامه مینویسد: «به تقاضای مایکل بلومنتال و با توافق برژینسکی، کارتر، جرج بال را مامور بررسی مستقلی از اوضاع ایران نمود تا راه حلی یافته توصیه نماید. بال در ۳۰ نوامبر (۱۹۷۸) (۹ آذر ۱۳۵۷) در نهایت جدیت و توان و با استفاده از شبکه گسترده ای از کارشناسان امور ایران، کار بررسی اوضاع را آغاز نمود لاقلاً در یک مورد جرج گریفین کارمند ارشد وزارت امور خارجه به عنوان کارشناس مسایل ایران پنهانی به دفتر بال رفت زیرا

شورای امنیت ملی به هیچ وجه حاضر به قبول توصیه هایی که از طریق وزارت امور خارجه به دست می آمد نبود. بال گزارشی در ۱۸۹ صفحه تحت عنوان «مسایل و مفاهیم بحران ایران» برای ریاست جمهوری فرستاد. در گزارش بال به گونه ای کوبنده ای اساس دکترین نیکسون مورد انتقاد قرار گرفت و اظهار داشت که مقدار زیادی از مسوولیت خودبزرگ بینی شاه به گردن امریکا است به نظر او دوران شاه به عنوان قدرت مطلق دیگر تمام شده بود بال سرکوبی را محکوم به شکست و خطری در تبدیل شدن ایران به لبنانی دیگر در منطقه دانسته بود. او توصیه کرد شاه تمامی قدرت خود را به دولتی که نسبت به مردم احساس مسوولیت داشته باشد تفویض کند شیوه ای که بال برای این انتقال توصیه کرده بود شورایی متشکل از افراد مسوول و سرشناس بود که با دقت کامل توسط آمریکا برگزیده شوند بال می گوید: «من فکر می کردم این تنها راهی باشد که آن را از انتخاب شدن توسط شاه مصون می داریم. همزمان بال از رئیس جمهور خواستار برقراری رابطه پنهانی و قابل انکار با آیت الله خمینی شده» (۱۶) جیمز بیل از اوج این اختلافات تحت عناوین (وزارت امور خارجه، کارشناسی، دودستگی و ناتوانی) (مشاور امنیت ملی و همکارانش، سیاست قدرت و بی اطلاعی) در صفحات ۳۳۶ و ۳۳۵ کتاب یاد کرده است:

#### ۲-۱- حمایت جیمی کارتر از شاه در رابطه با کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷:

یکی دیگر از خطاهای بزرگ که ناشی از عدم اطلاع دقیق امریکاییها از اوضاع ایران بود، اشتباه جبران ناپذیر کارتر در رابطه با حمایت از کشتار ۱۷ شهریور (جمعه سیاه) و تلفن زدن به شاه در همین رابطه است. در این رابطه بیل می نویسد: «در نظر توده های ایرانی تلفن زدن کارتر به شاه پس از جمعه سیاه بزرگترین اشتباه ممکن است سربازان شاه در جمعه ۸ سپتامبر به طرف مردم غیر مسلح در میدان ژاله تیراندازی کردند که طی آن صدها زن و بچه و مرد کشته و زخمی شدند. و روز یکشنبه ۱۰ سپتامبر رئیس جمهور جیمی کارتر در گیرودار گردهمایی مهم کمپ دیوید وقت گذاشت تا به شاه تلفن کند و او را از پشتیبانی شخصی و دوستی خود مطمئن سازد. این پیام تلفنی که رسماً همه جا پخش شد مردم ایران را قانع ساخت که کارتر با کشتار میدان ژاله موافق بوده و امریکا در صدد است به هر قیمتی شده با انقلاب مخالفت کند.» (۱۷)

#### ۳-۱- عدم اطلاع و عدم درک واقعی امریکاییها از واقعیتهای سیاسی ایران در آستانه

##### انقلاب اسلامی

بیل در این رابطه می نویسد: «وظیفه ای که بر دوش پرزیدنت کارتر قرار داشت بسیار مشکل بود. بسیاری از منابع اطلاعاتی تصویری خدشه دار و نادرست از ایران به او ارائه می کردند ولی کارتر برای اصلاح چنین وضعی هیچ کوششی به عمل نیاورد.» (۱۸) و حتی زمانی

که لازم بود در ارزیابی تجدید نظر شود او همچنان به پیروی از رهنمودهای خدشه دار ادامه داد. در اوت ۱۹۷۷ (مرداد ۱۳۵۶) بخشی از بررسی ۶۰ صفحه ای سیا در مورد ایران چنین است: شاه در دهه ۱۹۸۰ همچنان در زندگی ایرانیان پایدار خواهد بود» دیگر اینکه «در آینده نزدیک تغییر بزرگ و اساسی در شرایط سیاسی ایران پیش نخواهد آمد» حتی در زمانی به دیری ۲۸ سپتامبر (۱۹۷۸) (۷ مهر ۱۳۵۷) اداره اطلاعات وزارت دفاع درباره شاه گزارش داده بود انتظار می رود شاه در ده سال آینده نیز همچنان قدرت فعالی به شمار آید» (۱۹) حتی شخص کارتر با خوشحالی فراوان ۲۸ اکتبر ۱۹۷۸ (۷ آبان) گفت: «ما با ایرانیان دوستی تاریخی داریم، به گمان من ایرانیان در منطقه ای از دنیا که در اختیار آنهاست نیرویی ثابت آفرین بوده اند» و در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ (۹ آذر ۱۳۵۷) گفت: «ما اطمینان داریم که شاه ایران را در ثبات نگاه می دارد و پیشرفت فرایند دموکراسی ادامه می دهد و در ساختار زندگی اجتماعی و اقتصادی تغییرات اساسی و پیشرفت بوجود خواهد آورد... ما به شاه اعتقاد داریم... و در ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ (۲۱ آذر ۱۳۵۷) گفت: بدون تردید انتظاری جز آن که شاه در ایران برسر قدرت بماند و مشکلات ایران برطرف شود نداریم... به گمان من پیش بینی های بدشگون و مصیبت باری که به گوش می رسد در ست و واقع بینانه نیست شاه از پشتیبانی و اعتماد ما برخوردار است» و در ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۶ دی ۱۳۵۷): شاه از ایران گریخت و هرگز بازنگشت. روز بعد در یک کنفرانس مطبوعاتی کارتر در برابر پرسش هلن تاماس از یونایتد پرس اینترنشنال که پرسیده بود: «پس شما زمانی که دو ماه پیش می گفتید شاه قدرتی پایدار است در اشتباه بودید؟ کارتر پاسخ داد: فکر می کنم تغییرات در ایران بی اندازه سریع بوده است من ندیدم که کسی آن را پیش بینی کرده باشد» (۲۰) جیمزبیل مهمترین عوامل درک واقعی صحنه سیاسی ایران را در آستانه انقلاب اسلامی در عوامل زیر خلاصه می کند: ۱- رقابت های اداری و تفرقه در میان سازمانهای امریکایی در ایران که قبلاً اشاره شد. ۲- نفوذ دولتی امریکا در ایران و ارتباط با نخبگان سیاسی متمایل به امریکا بدون دسترسی به اقشار میانی جامعه و افکار عمومی مردم ۳- طولانی شدن دوران ماموریت های دیپلمات های طرفدار خاندان پهلوی در ایران ۴- سیستم گزارش دهی سفارت امریکا و وابسته شدن آنها به پولها و دلارهای اعطایی خاندان پهلوی ۵- نارسایی و کاستی فعالیتهای سیا در ایران به واسطه اخذ اطلاعات توسط سیا از ساواک و کانالیزه شدن و محدود شدن اطلاعات سیا ۶- باور و اعتقاد به اسطوره ابرشاه بودن محمدرضا شاه پهلوی در میان امریکاییها (۲۱) جیمزبیل در رابطه با فقدان اطلاعات دقیق سیا در این دوران می نویسد: «کارکنان سیا به طرز کار نخبگان سیاسی ایران بی نهایت آشنا و آگاه بودند تاریخ فرهنگ ایرانی را گرامی می داشتند ولی آنها نیز مانند وزارت خارجه با رهبران روحانی و روشنفکران فارسی زبان

و کارگرانی که به شهرهای برگ مهاجرت کرده بودند و گروههای مختلف جامعه که در سال ۱۹۷۸ به خیابانها ریختند آشنایی نداشتند آنها از چیزی که می توان آن را «زمانه مسجد» نامید اطلاعی نداشتند، در واقع آنها هیچگاه در محافل مخالفان نفوذ نداشتند وقت زیادی صرف دانشگاه و جنوب تهران نمی کردند» (۲۲) جیمز بیل نمونه دیگری از جهالتهای آشکار ماموران امریکایی در ایران را چنین بیان می کند: «نمونه های حیرت آور جهالت، مقامات امریکا در ایران فراوان است. در ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) آگاه ترین ماموران در ایران هرگز نام علی شریعتی را نشنیده بود، روشنفکر تحصیل کرده پاریس که سخنرانیها و نوشته هایش در الهام بخشیدن به انقلاب بسیار موثر بود، بدتر از آن یک کارمند وزارت خارجه بود که شناخت وسیعی از ایران داشت ولی او هم تا ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) هنوز نام شریعتی را نشنیده بود» (۲۳) بیل موارد دیگری نظیر بازنشسته شدن تحلیلگران سیا در ایران به سال ۱۳۵۲ انحلال کتابخانه اطلاعاتی و (تلاش ۴۵ ساله اطلاعاتی امریکا) در سال ۱۳۵۲ منحل شدن و کتابها و مدارک و اسناد توسط آمریکاییها دور ریخته شد.» را نیز ذکر میکند. (۲۴)

## ۲- عوامل و متغیرهای داخلی:

این گروه از متغیرها در واقع عوامل متغیرهای اساسی و مهم در پیدایش و تکوین انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه جیمز بیل به شمار می رود که ذیلاً به مهمترین آنها اشارت می رود. شایان ذکر است که برخی از حوادث و رویدادهایی که به عنوان متغیر در بخشهای انتهایی عوامل داخلی ذکر می شود در حقیقت به مثابه کاتالیزور در انقلاب اسلامی ایران عمل نموده است:

### ۱-۲- توسعه ناموزون ایران

بیل در این رابطه می نویسد: «در مجموعه در دهه ۱۹۶۰ روند سیاست پهلوی در حالی که در ظاهر پرکار و موثر می نمود به روشنی عیب های فراوانی داشت. در دو خط سیاست اصلاحات و سرکوب دارای نقص اصولی بود که در درازمدت نتایجی منفی به بار آورد. نهایتاً مشکل اساسی این بود که بین کوششهایی که برای پیشرفت اقتصادی به عمل می آمد و عدم تلاش برای بهبود اوضاع سیاسی توازن وجود نداشت. شاه و مشاوران نزدیک او عقیده داشتند که با اجرای برنامه اصلاحات ارضی و توسعه صنعتی دیگر نیاز چندانی برای بهبود بخشیدن به اوضاع سیاسی نخواهد بود. در یک گزارش اطلاعاتی به وزارت خارجه امریکا در این مورد که حالت انفجاری در ایران ناشناخته مانده و به آن توجهی نشده چنین نتیجه گیری شده است «ایران در اساس کشوری ضعیف و آسیب پذیر مانده... و روی هم رفته فضای سیاسی ایران بنای ناسالم دارد...» (۲۵)

## ۲-۲- شکاف شهر و روستا و نارضایتی دهقانان

بیل در این رابطه می نویسد: «تا سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) در کشاورزی ایران رکورد به وجود آمد و نرخ رشد آن به کمتر از ۳٪ رسید، زیرا مهاجرت از روستاها به شهرها به صورت هجوم دست جمعی در آمد و در ضمن شکاف وسیعی در توزیع درآمد بین شهرها و روستاها مشاهده می شد» (۲۶)

## ۲-۳- از دست دادن طبقه متوسط توسط حکومت پهلوی

در این رابطه بیل می نویسد: «شاه می خواست با اجرای برنامه اصلاحات از بالا (۱۹۶۰) دهقانان کشور بر ضد طبقه متوسط مبارزه جو متحد شود ولی با خط کشیدن دور طبقه متوسط درست همان نیرویی را که برای اجرای موفق اصلاحات لازم داشت از دست داد...» (۲۷)

## ۲-۴- افزایش سیاست خشونت و غلبه سیاست ارباب و سرکوب بر اصلاحات به ویژه پس

### از سالهای ۱۳۵۰ (جشنهای ۲۵۰۰ ساله) و استبداد سلطنت

بیل در این زمینه می نویسد: «با کشتن آیت الله سعیدی و انجام جشنهای تخت جمشید در ۱۶ ماه پس از ان شاه روش تازه ای در سیاست داخلی کشور در پیش گرفت. او روش سابق را که همزمان میان سرکوب و اطلاعات توازن برقرار می ساخت کنار گذاشت. درست است که طی ۱۹۶۳ به بعد محور اصلاحات به همراه سرکوب از جای تکان خورد، و شدیداً متزلزل شده بود ولی به هر حال در آن حد که بتواند در برابر مخالفان نوعی در پیچه اطمینان به حساب آید، کارساز بود. شاه پس از اکتبر ۱۹۷۱ موضع سختی اتخاذ کرد و متذکر شد که در داخل کشور هیچگونه مخالفتی را تحمل نمی کند به عقیده او این سروصداها را گمراهان و نادانان و کمونیستها و یا ناراضیان دیوانه برپا کرده اند. شاه برای نخستین بار در دوران سی و سه ساله سلطنت خود با دادن اختیار به نیروهای امنیتی می خواست تنها با به کار بستن سیاست سرکوب و تهدید تاج و تخت خود را حفظ کند این سیاست نوین سرانجام به سیاست وحشت تبدیل شد. زشت ترین شکنجه ها، قانون روز شد مردم از خانه هایشان ناپدید می گشتند، زندان ها پر شده بود. محاکمات سیاسی و اعدام به گونه ای مشخصی فزونی یافته بود...» (۲۸)

## ۲-۵- گسترش فساد سلطنت، دربار و اطرافیان شاه

جمیزیل به نقل از گزارش یانگک در ۱۹ آوریل رژیم و سلطنت پهلوی را فاسد و مرتجع و آلت دست غربیهای امپریالیست به ویژه انگلستان و امریکا قلمداد نموده است. (۲۹)

در جای دیگر در همین رابطه آمده است: «سرپرست سازمان امنیت اسرائیل موساد به نام موشه چرونیسکی گفته است: رشوه هر کاری را در ایران امکان پذیر می ساخت» (۳۰) «فساد که شامل رشوه های عظیم و زمین خواریهایی که از طریق حيله و کلاهبرداری انجام می

گرفت، حق کمیسیونهای گزاف برای قراردادهایی که هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی به ضرر کشور بود، کاملاً رواج داشت زمانی که فساد خزنده سرعتی سرسام آور گرفت، و به صورت ثروتمند شدن آتی درآمد، خانواده شاه و بستگان و نزدیکان او در راس این چپاول قرار داشتند به عنوان مثال: در اوت ۱۹۷۸ (مرداد ۱۳۵۷) هویدا وزیر دربار سفیر ایران در انگلستان گله کرده بود که فساد در رده بالا به حد شرم آوری شایع است.» (۳۱)

#### ۲-۶- بازگشت به اسلام در میان جوانان به ویژه دختران

جیمز بیل در این زمینه می نویسد: «طی سالهای ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) هزاران جوان ایرانی به جنبش خود از طریق اسلامی که آن را نیروی رهایی بخش و پناهگاهی در برابر حکومت غیرمذهبی و سرکوبگر پهلوی می دانستند ادامه دادند این احیای (اسلام) که در تاریخ ایران بی سابقه بود، به ویژه در دبیرستانها و دانشگاههای کشور خصوصاً با تعداد روزافزونی دختران و زنان که به حجاب کامل باز می گشتند و در کلاسهای درس با چادر مشکی حضور می یافتند کاملاً چشمگیر بود. زنان و مردان به سوی مراکز مطالعات مذهبی روی آورده و در آنجا گفتگو درباره مطالب سیاسی در قالب زندگانی امامان که رهبران اسلام شیعه بودند، می پرداختند. نیروی انفجاری این احیاء مذهبی که در ۱۹ اکتبر ۱۹۷۷ (۱۷ مهر ۱۳۵۶) دیده شد چون حدود ۲۰-۳۰ دانشجوی نقابدار که می خواستند در دانشگاهها زنان و مردان از هم جدا باشند و این اعتراض به شکستن شیشه پنجره ها و سوزاندن اتوبوسها انجامید در پاییز آن سال چندین تظاهرات مذهبی نیز در شهر قم صورت گرفت این بازگشت به گرایش اسلامی حاد و شدید از دید مقامات رسمی سفارت امریکا در تهران به دور نماند.» (۳۲)

#### ۲-۷- فضای باز سیاسی و لیبرالیزه کردن مشارکت در سال ۱۳۵۶ از سوی شاه

«در نیمه اول سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) شاه و مشاوران او به این نتیجه رسیدند که لازم است حلقه مخوف سرکوبگری رژیم شکسته شود برخلاف این ادعای شایع که شاه دادن آزادی های سیاسی و رانتهای به خاطر سیاست حقوق بشر جیمی کارتر آغاز نمود، دادن چنین آزادیهایی ماهها پیش از رسیدن کارتر به ریاست جمهوری به دلایل پچیده ای آغاز شده بود.

.... شاه خودش خواست تا به صورت نمایشی به پنج دلیل نظارت و کنترلهای سیاسی را تخفیف دهد: ۱- شاه به اندازه کافی زیرک بود که بفهمد سیاست سرکوبگرانه ۱۵ ساله گذشته نتیجه خوبی نداشته است ۲- در آن چند سال شاه جداً به فکر آینده سلطنت خود دراز مدت افتاده بود او به ویژه نگران به قدرت رسیدن پسر بزرگ خود رضا بود ۳- روش سرکوبگرانه به طور روزافزونی توجه جهانیان را به خود جلب کرده بود اعمال تروریستی در خیابانهای تهران صورت می گرفت و فراگیر شدن آهنگ انتقادات دست جمعی جهانی شاه را ناراحت ساخته بود. باینکه او میل داشت تا حد امکان در رسانه های همگانی سراسر دنیا

حسن شهرت داشته باشد انتشار انتقادات تند و تیز به ویژه به صورت افشاگری و رجز خوانی در روزنامه‌های اروپایی شیوع یافته بود ۴- شاه برای آنکه افکار موثرتری در حکومت خود به کار بندد تعدادی از مشاوران قدیمی خود را به دور ریخت و به جای آنها تکنوکراتهای جوان را که عقاید آزادیخواهانه تری داشتند، در دستگاه حکومتی به کار گمارد مانند: فریدون مهدوی از جبهه ملی که وزیر بازگانی شد داریوش همایون وزیر اطلاعات و جهانگردی، امیر طاهری و احمد قریشی... ۵- آخرین و کم اهمیت ترین دلیل آن بود که اقدام شاه در ایجاد فضای باز سیاسی با انتخاب جیمی کارتر به ریاست جمهوری امریکا شدت بیشتری به خود گرفت...» (۳۳) روند لیبرالیزه کردن نوای ساز علاقمندی و توجه به واکنش سراسری را در یاران به صدا درآورد هر اندازه که دستگاه به آهستگی سرپوش اجتماع را بر میداشت فشار سیاسی محصور در آن به فوریت به گونه ای انفجارآمیز بیرون می زد» (۳۴)

#### ۸-۲- بلند پروازیهای شاه و خریدهای تسلیحاتی عظیم در کنار کاهش قیمت نفت

##### وکسری بودجه

علیرغم اینکه جیمی کارتر در ابتدا با فروش تسلیحات نظامی به شاه مخالف بود رفته رفته با فروش تسلیحات مدرن و پیشرفته به شاه موافقت نمود «زمانی که کارتر به ریاست جمهوری رسید، جریان اسلحه از سوی امریکا افزایش فراوانی یافت... اردشیر زاهدی سفیر پرنفوذ ایران در واشنگتن دائماً حمایت و پشتیبانی بیشتری از درخواست ایران برای دریافت اسلحه طلب می کرد. در ژوئیه ۱۹۷۷ (تیر ۱۳۵۶) شهبانو فرح به تنهایی از امریکا دیدار کرد و با روزالین کارتر پرنفوذ که شدیداً تحت تاثیر او قرار گرفته بود دوستی برقرار نمود» ... از همان آغاز روی کار آمدن دولت کارتر شاه ریاست جمهوری را قانع ساخته بود که حکومت پهلوی برای امریکا ویژگی مهمی دارد. ایالات متحده نیز بر آن مهر تاید زده بود، چون موضوع حقوق بشر در مورد ایران در پایین لیست کارتر قرار داشت، و اهمیت چندانی در تعادل سیاسی بین دو کشور وجود نداشت حاصلی که از دیدار شاه از واشنگتن در نوامبر به دست آمد، موید این نتیجه گیری است. (۳۵) کاهش جهانی تقاضا برای خرید نفت تحت فشار ایالات متحده امریکا و کشورهای صنعتی غرب در همین ایام ضربه دیگری بود که توانایی رژیم پهلوی را در تامین بودجه دچار اختلال می ساخت و زمینه ای برای افزایش نارضایتیها میگشت.

#### ۹-۲- انتشار مقاله ایران استعمار سرخ و سیاه در روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ۱۳۵۶

جیمز بیل با بیان سخنان کارتر طی دیدارش از تهران در ۱۰ دی ۱۳۵۷ تحت عنوان ایران تحت رهبری شاه جزیره ثبات و در آشفته ترین منطقه دنیاست. اعلیحضرت این ستایشی از شما و رهبری شما و از احترام و عشقی است که ملتتان به شما دارد. و همچنین بیان کلمات

اهانت آمیز داریوش همایون به نام مستعار احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ماه ۱۳۵۷ می نویسد: «این گفته که از پنداری موزون نشات نگرفته بود هر دو طی یک هفته شوم بیان شد و مستقیماً به شعله ور شدن انقلاب کمک کرد و ایران را در طی ۱۴ ماه بعدی درگیر تحولی شگرف ساخت.» (۳۶)

مهمترین اشتباه حمله مستقیم و شریانه به شخص آیت الله خمینی در مقاله ای تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه بود در روزنامه اطلاعات ۷ ژانویه ۱۹۷۸ (۱۷ دی ۱۳۵۷) به چاپ رسید.» (۳۷)

### ۱۰-۲ - انتخاب شریف امامی به نخست وزیری توسط شاه

یکی از بزرگترین و تعجب آورترین اشتباهات شاه گزینش شریف امامی به نخست وزیری بود. بعضی از مقامات دولتی امریکا این تصمیم او را زیرکانه دانستند و روزنامه های غربی شریف امامی را فردی مذهبی که می تواند مخالفان را ساکت نماید، توصیف کرده اند. (۳۸) حتی باری روین شریف امامی را مردی متدین توصیف کرده است «ولی واقعیت این بود که او در ایران از شهرت دیگری برخوردار بوده سفیر ویلیام سولیوان درباره او گفته است: «مردم به او به چشم مردی فاسد می نگرستند» (۳۹) در ایران نظر عموم بر این بود که او تشکیلات ماسونی ایران نقش مهمی دارد» (۴۰) سولیوان و بعضی از امریکایی ها اقدامات و کوششهای شریف امامی را برای لیبرالیزه کردن «تغذیه سوسماران» نام داده اند در حقیقت شریف امامی را نخستین غذا دهنده سوسماران از نظر آنها آلوده بود و آنها به او و به کسانی که از او پشتیبانی می کردند از نو حمله کردند» (۴۱)

### ۱۱-۲ - تردید شاه در تصمیم گیری و دیر هنگام بودن تغییرات در بحبوحه دوران

#### انقلاب

تغییراتی که توسط شاه انجام می گرفت ناکافی و دیر هنگام بود. بنا به گفته آخرین سفیر شاه در سازمان ملل متحد: جایی که جراحی لازم بود، شاه کمکهای اولیه را به کار برد. (۴۲) همانند برنامه هایی که برای اعطاء آزادی به اجرا درآمد این راه سیاسی نیز که شاه در پیش گرفته بود، با دودلی و نقص انجام شد. تعداد زیادی از فاسدترین افراد که از سوی مخالفان و روحانیون مورد اتهام و بغض بودند کاملاً در امان ماندند. آنها از لحاظ سیاسی و اقتصادی بسیار منتفذ بودند، نظیر اردشیر زاهدی، ارتشبد حسن طوفانیان، شاهدخت اشرف پهلوی و بسیاری از شخصیت‌های مهم نظام.» (۴۳)

### ۵- شاخصها و ویژگی های انقلاب اسلامی

جیمز بیل در کتاب خود به اشکال مختلف به اسلامی بودن انقلاب ایران و ماهیت و هویت



اسلامی و شیعی آن اعتراف دارد که شاخصهای آن از دیدگاه جیمزبیل عبارتند از:

۱-۵- رهبری علماء و روحانیون متعهد تشیع به ویژه حضرت امام خمینی که مکرراً این موضوع مورد تأکید قرار گرفته است. (۴۴)

۲-۵- ایفای نقش در مبارزات بر علیه حکومت پهلوی توسط مذهبیون طبقه متوسط که در این رابطه جیمزبیل می نویسد: «در اکتبر ۱۹۶۵ (مهر ۱۳۴۴) ۵۵ نفر از اعضای حزب ملل اسلامی ۱ دستگیر و در ۱۹۶۶ (۱۳۴۵) محاکمه و زندانی شدند. این گروه کوچک مخفی از مردان بسیار جوان که عمیقاً در لایه لای طبقه متوسط پایین نفوذ کرده بودند، تشکیل یافته بود و به وضوح پیش در آمد مخالفتی بود که در سرنگونی رژیم پهلوی موثر افتاد می گویند یکی از روحانی در اشاره به افراد دستگیر شده گفته است که آنها فقط: یک شاخه از درختی عظیم اند، این درخت طی سالهایی که در پیش بود از بالا و پایین رشد کرد.» (۴۵)

۳-۵- "زمانه مسجد نامیدن" دوران بحبوحه انقلاب در ایران در سال ۱۳۵۷

جیمزبیل در این زمینه در بیانی شایان توجه از بی اطلاعی امریکاییها از وضعیت ایران در دوران انقلاب در سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ شرایط آن دوره را زمانه مسجد نامیده است که شاخص مهمی در اسلامی بودن هویت انقلاب ایران است در واقع مساجد از پایگاههای اصلی و موثر در انقلاب ایران بوده است که بیانگر هویت و ماهیت اسلامی آن به شمار می رود. (۴۶) و مسجد در انقلاب اسلامی پایگاه اصلی مردم انقلابی و مسلمان ایرانی بود.

۴-۵- شعارها و تقاضاهای تظاهر کنندگان و انقلابیون

در این رابطه جیمزبیل از رویدادهای دوران انقلاب در سال ۱۳۵۶ به بعد به عنوان دوره احیاء اسلام و بازگشت جوانان دختر و پسر به اسلام با گرایش شدید یاد کرده است. (۴۷) جیمزبیل در جای دیگری می نویسد: «امام خمینی دائماً مردم ایران را تشویق به مبارزه با طبقه حاکم می کرد و می گفت زهری که حاکمان می خواهند به حلق شما بریزند فرو ندهید او به پیروانش رهنمود می داد که اگر لازم باشد در مقابله با آنها بمیرید و با خون خود ریشه های درخت اسلام را آبیاری کنید» (۴۸)

۵-۵- اعتراف صریح به اسلامی بودن انقلاب ایران

جیمزبیل در جاهای مختلف از کتاب خود از انقلاب ایران با عنوان انقلاب اسلامی ایران یاد کرده است که در همین رابطه در ص ۳۲۲ «انقلاب اسلامی ایران» و مطالب ص ۳۲۴-۳۲۵ موید این مطلب است.

(۱) بنیانگذار حزب ملل اسلامی محمدکاظم بجنوردی و از اعضای معروف آن محمدجواد حجتی کرمانی و سرحدی زاده می توان نام برد.

**۶- نقد کتاب:**

ذکر این نکته شایان توجه است که در میان ایران شناسان و ایران پژوهان به تحقیق جیمز بیل و اثر ارزشمند او شیر و عقاب جایگاه ویژه ای دارد چه اینکه وی با رویکردی واقع بینانه دیپلماسی و سیاست خارجی امریکا در ایران را قبل و پس از انقلاب اسلامی مورد نقد و ارزیابی علمی قرار داده است و به انتقاد از بازیگران عرصه سیاست خارجی امریکا در ایران و نخبگان سیاسی آن کشور پرداخته است و مکرراً از عظمت و تاثیر انقلاب اسلامی ایران یاد کرده است. برای نمونه او می نویسد: «در نیمه اول فوریه ۱۹۷۹ (بهمن ۱۳۵۷) انقلابی سخت ایران را فراگرفت و داغی ماندگار بر سیستم بین المللی و ایالات متحده امریکا برجای گذاشت. (۴۹)

علیرغم این ویژگیهای برجسته در نقطه نظرات جیمز بیل در مورد ایران و ایرانیان و روابط دو کشور ایران و امریکا و انقلاب اسلامی نکاتی در دیدگاههای وی مشهود است که قابل نقد است مانند موارد ذیل:

**۱-۶- اعتقاد به پهلویسم و ابرشاه بودن محمدرضا پهلوی مانند دیگر امریکاییها**

بیل علیرغم اینکه از پهلویسم انتقاد کرده است در بخشهایی از کتابش از شاه شخصیتی اسطوره ای مستقل و آزاد اندیش نموده است. مانند: یکی از بازیهای پرمعنی شاه وقتی که بریتانیا نیروهای خود را از خلیج فارس بیرون می کشید، اجرا شد. از همان زمان که انگلیسی ها در ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) تصمیم و اعلام داشتند ذهن شاه متوجه این نکته شد که چگونه ایران را به درون خلاء قدرتی که در منطقه بوجود خواهد آمد کشیده هدایت کند. این فرصت در پایان سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) به دست آمد و او آن را قاپید. (۵۰)

**۲-۶- عدم تکیه بر رویکرد نظری واضح و رهیافتی روشن برای تبیین روابط ایران و****آمریکا و تکوین و پیدایش انقلاب اسلامی**

استفاده از روند تحولات تاریخی و تکیه بر رویدادها و حوادث گوناگون برای تحلیل روابط دو کشور بدون تحلیل عمیق و مبتنی بر نظام و ساختار قدرت در ایالات متحده آمریکا و همچنین در تبیین انقلاب اسلامی ایران فقدان و رکود رهیافتی نظری در تحلیل جیمز بیل از کاستیهای اساسی کتاب وی به شمار می رود که این عمده ترین و اساسی ترین کاستی کتاب عقاب و شیر می باشد.

- پی‌نوشت
- ۱- بیل، جیمز (۱۳۷۱) شیر و عقاب، ترجمه فروزنده برلیان، تهران: نشر فاخته
- ۲- منبع پیشین، ص ۱۵-۱۴-۱۳
- ۳- منبع پیشین، ص ۱۸
- ۴- منبع پیشین، ص ۲۹۸
- ۵- منبع پیشین، ص ۱۲۱
- ۶- L.P. Ewell-sutton, Nationalism in Iran Middle East Journal ۱۲ (winter ۱۹۵۸) ۲۹.
- ۷- به نقل از منبع پیشین ص ۱۸۰
- ۷- منبع پیشین، ص ۱۸۰
- ۸- منبع پیشین، ص ۱۸۰
- ۹- منبع پیشین، ص ۱۸۱
- ۱۰- منبع پیشین، ص ۶۴- جهت اطلاع بیشتر در همین رابطه به ص ۱۷۷ مراجعه شود.
- ۱۱- منبع پیشین، ص ۲۱۱
- 12- Hamid Algger Introducion, in Imam Khomeini, Islamand Revoluion (Berkely-Calif-Mizan Press) 1981. p.17
- ۱۲- به نقل از منبع پیشین، ص ۲۱۳
- ۱۳- منبع پیشین، ص ۲۲۱
- ۱۴- منبع پیشین، ص ۳۳۱
- ۱۵- منبع پیشین، ص ۳۴۲
- ۱۶- منبع پیشین، ص ۳۴۳
- ۱۷- منبع پیشین، ص ۳۵۰
- ۱۸- (تناقض میان اظهارات جیمز بیل، زیرا کارتر بلومنتال را برای بررسی اوضاع به ایران فرستاد)
- ۱۹- منبع پیشین، ص ۳۵۱
- ۲۰- منبع پیشین، ص ۳۲۵-۳۵۱
- ۲۱- به صفحات ۵۱۸ الی ۵۳۵ کتاب مراجعه شود.
- ۲۲- منبع پیشین، ص ۵۳۶
- ۲۳- منبع پیشین، ص ۵۷۹
- ۲۴- به صفحات ۵۵۶ کتاب مراجعه شود.
- ۲۵- منبع پیشین، ص ۲۳۴
- ۲۶- منبع پیشین، ص ۲۹۶
- ۲۷- منبع پیشین، ص ۲۱۱
- ۲۸- منبع پیشین، ص ۲۵۶
- ۲۹- به صفحات ۱۸۹ به بعد کتاب شیر و عقاب مراجعه شود.
- ۳۰- منبع پیشین، ص ۵۷۰
- ۳۱- منبع پیشین، ص ۲۹۷-۲۹۶
- ۳۲- منبع پیشین، ص ۲۹۹-۲۹۸ (پدیده بازگشت به خویشتن و اسلام و احیاء تفکر اسلامی خیلی بیش از سالهای ۱۳۵۶ و در واقع از سالهای ۱۳۳۹-۱۳۴۰ در ایران با نهضت امام خمینی و آثاری نظیر آثار مرحوم دکتر علی شریعتی آغاز شده بود.
- ۳۳- منبع پیشین، ص ۳۰۱-۳۰۰
- ۳۴- منبع پیشین، ص ۳۰۶
- ۳۵- منبع پیشین، ص ۳۱۵
- ۳۶- منبع پیشین، ص ۳۱۸
- ۳۷- منبع پیشین، ص ۳۱۹
- ۳۸- Rubin, Paved with Good Intention p ۲۱۰
- 39- William H.Sullivan, Mission to Iran(New York: w.w Norton 1981)p.194
- شیر و عقاب، ص 327- 40
- ۴۱- شیر و عقاب، ص ۳۲۸
- Fereydoun Hoveyda, The Fall of the ۴۲
- New york: wyndham Books (۱۹۷۹) p.۴۶
- شیر و عقاب، ص 327- 43
- ۴۴- به صفحات ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۲۴، ۲۱۸ مراجعه شود.
- ۴۵- منبع پیشین، ص ۲۲۶
- ۴۶- منبع پیشین، ص ۲۲۶ به ص ۵۷۷ مراجعه شود.
- ۴۷- به ص ۲۹۸-۲۹۹ کتابه مراجعه شود.
- ۴۸- ص ۳۲۶ کتاب شیر و عقاب
- ۴۹- منبع پیشین، ص ۱۰
- ۵۰- منبع پیشین، ص ۳۷۱



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعات د فریښی  
پرتال جامع علوم انسانیت